

ما می‌گوییم:

۱. سخن مرحوم نائینی به دو صورت قابل تصویر است:

◀ فرض اول)

❖ مثال اول:

- ۱) علم تفصیلی داریم که تمام گوسفندان سفید حرام است
- ۲) و علم اجمالی داریم که ۱۰۰ گوسفند حرام است (و شاید بیش از آن هم حرام باشد)
- ۳) و احتمال می‌دهیم گوسفندان سفید بیش از ۱۰۰ گوسفند باشند ولی قطعاً کمتر از ۱۰۰ گوسفند نیستند (چرا که اگر احتمال بدهیم گوسفندان سفید کمتر از ۱۰۰ عدد هستند، دیگر نمی‌توانیم علم داشته باشیم که حداقل ۱۰۰ گوسفند حرام است)

❖ مثال دوم:

- ۱) علم تفصیلی داریم که در این دفتر همه قرض‌های خود را نوشته‌ام (یعنی هرچه در این دفتر ثبت است، قرض‌های من است)

- ۲) علم اجمالی داریم که ۱۰۰ دینار قرض داریم (و شاید بیشتر باشد)
- ۳) احتمال می‌دهیم که آنچه در دفتر نوشته شده است بیش از ۱۰۰ دینار باشد (ولی قطعاً کمتر نیست)

◀ فرض دوم)

❖ مثال دوم:

- ۱) علم اجمالی داریم که در این دفتر، در کنار سایر مطالب، قرض‌های من هم نوشته شده است (و نه آنکه هرچه نوشته شده است قرض‌های من است)

- ۲) علم اجمالی داریم که ۱۰۰ دینار مقروض هستیم (و شاید بیشتر باشد)
- ۳) احتمال می‌دهیم که آنچه در دفتر ثبت شده است، بیش از ۱۰۰ دینار باشد.

۲. مطابق فرض اول، کبرای سخن مرحوم نائینی تمام است، هرچند ربطی به بحث عام و خاص ندارد.

چرا که بعد از یافته شدن ۱۰۰ گوسفند (یا ۱۰۰ دینار)، وقتی هنوز گوسفند سفید در مقابل ما موجود است و یا صفحاتی از دفتر موجود است، کشف می‌شود که میزان گوسفند حرام (و میزان قرض) بیش از ۱۰۰ عدد (و ۱۰۰ دینار) بوده است. یعنی کشف می‌شود که حداقل علم اجمالی (که از ابتدا تصور می‌شد)، باطل بوده است و حداقل فراتر است.



- ولی این فرض ربطی به عام و خاص ندارد. چرا که ما از ابتدا یقین (علم تفصیلی) نداریم که هر چه در کتاب‌های روایی موجود است، خاص باشد. (یعنی فرض عام و خاص، از مصادیق فرض دوم است)
۳. اما مطابق فرض دوم، کبرای سخن مرحوم نائینی، باطل است
- چرا که بعد از یافت شدن ۱۰۰ دینار، لازم نیست که بقیه صفحات دفتر را بررسی کنیم. چون مازاد بر آن، مشکوک بدوی است و علم اول (به اینکه در دفتر موجود است) معارض با این شک نیست.
۴. توجه شود که فارق این دو فرض، در علم اول است که در فرض نخست علم تفصیلی است و در فرض دوم علم اجمالی است. و همچنین توجه شود که مرحوم نائینی در مثال گوسفندان، علم اولیه را علم اجمالی می‌نامد که ظاهراً باطل است.
۵. حضرت امام از عبارت مرحوم نائینی، فرض دوم را فهم کرده‌اند و لذا بر نائینی اشکال کرده‌اند.

پاسخ امام خمینی به مرحوم نائینی

«و فيه ما لا يخفى، ضرورة أن العلم الإجمالي إذا تعلق بعنوان غير ذي أثر لا يوجب التنجز بذلك العنوان، فلا بدّ من لحاظ ما له أثر، فإن دار أمره بين الأقلّ والأكثر ينحلّ العلم بلا ريب، و ما نحن فيه من هذا القبيل، لأنّ الكون في الكتب كالكون في الدفتر ممّا لم يكن موضوعاً و لا جزء موضوع لحكم، و ما هو الموضوع للأثر نفس المخصّصات، و الكتب طرفها بلا دخالة في التأثير.

و هذا نظير ما إذا كانت دنائير مردّدة بين الأقلّ و الأكثر في كيس فأتلفه، فلا إشكال في تعلق علمه بأنّ ما في الكيس صار مضموناً عليه، سواء كان أقلّ أو أكثر، لكن مجرد ذلك لا يوجب إصابة العلم بالأكثر، بل لا يزيد عن الدوران بين الأقلّ و الأكثر بالبداهة.

فلو كانت أمثال تلك العلامات موجبة لتنجز الأكثر فما من مورد إلاّ و ينطبق على المعلوم عنوان نظير ما ذكر، مثل: «ما في الكيس»، «ما في الدار»، «ما أقرضني»، «ما سلّم إليّ»، و أشباهها.

و ما ادّعى: من أنّ العلم إذا تعلق بما في الدفتر يوجب إصابة العلم بالأكثر، فاسد، لأنّ ما في الدفتر المراد بين الأقلّ و الأكثر لا يعقل أن يكون أكثره متعلقاً للعلم، و لا صيرورته منجزاً به»^۱

توضیح:

۱. [مطابق فرض دوم:]

۱. همان، ص ۲۸۰



۲. اینکه علم اجمالی داریم (علم اول) به اینکه ۱۰۰ خاص در دفتر (در کتاب) است موجود است، موجب تنجز علم اجمالی نمی‌شود (چرا که «در کتاب بودن» ثمره‌ای ندارد)

۳. پس اینکه «در دفتر موجود است» مثل آن است که بگوییم «تعدادی دینار (۱۰۰ تا یا بیشتر) در کیسه است و ما ضامن آن هستیم» در این صورت در کیسه بودن، مانع انحلال علم اجمالی نمی‌شود (یعنی به اندازه اقل ضامن هستیم و در بیش از آن برائت جاری می‌کنیم)

۴. و این در تمام جاهایی که عنوان‌ها، اثر شرعی ندارند، جاری است.

حضرت امام سپس به جایی اشاره می‌کنند که «علم اجمالی اولیه»، به عنوان دارای اثر خورده باشد (مثل اینکه گوسفند موطوءه، دارای عنوان شرعی است که باعث حرمت گوشت می‌شود)

ایشان می‌نویسند در این صورت هم اگر علم اولیه، اجمالی است، باز هم مانع از انحلال علم اجمالی نمی‌شود یعنی اگر

(۱) علم اجمالی داریم که در این گله گوسفندان تعدادی موطوءه‌اند

(۲) علم اجمالی داریم که در این گله گوسفندان، ۱۰۰ عدد حرام‌اند.

(۳) احتمال می‌دهیم تعداد حرام‌ها بیش از تعداد موطوءه‌ها باشد.

توجه شود که اگر علم اولیه، علم تفصیلی باشد (چنانکه در شرح عبارت مرحوم نائینی آوردیم)، آن علم تفصیلی مانع از انحلال علم اجمالی می‌شود.

«بل لو كان العنوان المتعلق للعلم ذا أثر - مثل عنوان الموطوء - و كان منحلا إلى التكالیف

الدائرة بين الأقل و الأكثر، لم يوجب العلم تنجيز غير ما هو المتيقن، أي الأقل»^۱

